

« نامه ماهانه ادبی، علمی، تاریخی، اجتماعی »

آگهی امعان

شماره - هشتم

آبان ماه ۱۳۴۵

دوره - سی و پنجم

شماره - ۸

تأسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

(مؤسس : استاد سخن مرحوم وحید دستگردی)

(صاحب امتیاز و نگارنده : محمود وحید زاده دستگردی - نسیم)

دکتر لطفعلی - صورتگر

عرفان و ذوق ایرانی

آسمان شفاف ایران که بر فراز این کشور پهناور مانند قبه‌ای از لاجورد برافراشته شده و زیر آن سقف پاك نیلگون ، اختران فلکی درخشان تر و با فروغ تر جلوه گری دارند و در اثر همان پاکی فاصله بین ستارگان و دوری و نزدیکی آنها پیش چشم آشکارتر است ، همواره ذوق تیز و فیاض مردم این سرزمین را باندیشه و تعمق در جهان آفرینش و حقیقت عالم هستی و کبریائی و عظمت آفریدگار راهبری کرده است و در آن روزگاران تاریک که مردم سرزمین‌های دیگر به پرستش ساخته‌های دست خویش می‌پرداختند و دستگاه آفرینش را جولانگاه اصنام و آرمان‌ها و تمنیات بشری آنها می‌ساختند فلسفه‌ای روشن و با فروغ که اساس آن بر مصادمه و نزاع بین خوبی و بدی و پاکی و پلیدی و روشنی و تاریکی و پیروزی قطعی خیر بر شر بود بجهان بشریت موهبت کردند و تا این روزگار که هزاران حکیم و دانشمند و شاعر توانا و صاحب‌دل از نقاط مختلف کیتی بر اهنمائی

فرزند آدم برخاسته از این فکر ایرانی بهره معنوی فراوان برده اند .

از آن زمان که ستاره فروزان یثرب آغاز نورافشانی کرد و دین مبین اسلام جهانیان را به پرستش خدای یگانه راهبری فرمود ایرانیان نیز این آئین مقدس را بجان و دل پذیرفتار گشتند و در پیروی احکام آسمانی و دستورهای قرآن کریم با آن صفا و خلوص عقیدت و ایمان که ویژه مردم دیار ماست از سایر مللی که باسلام گرویده بودند پیش افتادند .

اما ذوق تیز و هوش مبدع ایرانی برای فهم دقیق دینی که پذیرفته بود بهنر نمائی پرداخت و با فرا گرفتن زبان و ادبیات عرب ، تفسیر آیات مبارکت قرآنی ، علم کلام و حدیث و فقه اسلامی و حکمت و تاریخ و صرف و نحو عربی دانشمندان بزرگی از گوشه و کنار این کشور برخاستند و آثاری بسیار پراچ و بها که امروز زینت بخش معارف اسلامی و مورد استفاده فضا و آریاب تحقیق کیتی است از خویش بیاد کار گذاشتند .

شاید در میان خدماتی که دانشمندان و سخن گستران چیره دست ایرانی بعالم اسلام کرده اند خدمت عرفای ایرانی از همه جالب تر و ارزنده تر باشد ، زیرا از اواخر قرن اول هجری توجه خاصی از طرف ایرانیان معتقد بمبادهای اسلامی ابراز میشد که از ماورای ظاهر و قوانین و قواعدی که مورد اطاعت مسلمانان بود توجهی بیاطن و جهان معنویت بشود و بحقیقت کلی عالم هستی که همه موجودات کیتی مظاهر و جلوه های آنند راهی پیدا کنند و از میان غبارتن که بقول حافظ حجاب چهره جان میشود نور پاک حقیقت را مشاهده نمایند . این مردم دریافتند که عالم حقیقت که باکی محض است زیر پرده های عادات کشمکش های زندگانی مادی پوشیده مانده و تا آدمی از ظواهر درنگدرد و خاشاک خودبینی و هوی پرستی را درخویشتن نسوزاند و از شائبه عادت پیراسته نگردد و غرق در عالم باطن نشود و روح را از اسارت ماده آزاد نکند حق را نخواهد

شناخت و بمقام قرب نخواهد رسید .

اینست که در قرن هفتم و هشتم میلادی یعنی از اوایل قرن دوم هجری مشربی روحانی درین کشور رسوخ یافت که مبنای آن بر تربیت روحانی نفس و مطلوب آن رسیدن بحقیقت مطلق بود و پیروان این مشرب را صوفی و اهل عرفان نام نهادند .

در باب منشاء این سنخ فکر عقاید گوناگونی ابراز شده است : دسته‌ای معتقدند که عرفان و تصوف چنانکه در ایران متجلی است بر اساس اسلامی و احادیث و آیات قرآنی نهاده شده است و گفتار پیغمبر بزرگ اسلام و مولای متقیان را که بفقیر یعنی به بی‌نیازی از تجملات ظاهر فریب دنیا و لذت گذران آن فخر داشت و کردار آن حضرت را سرمشق و راهنمای واقعی عرفای ایرانی میدانند و عارفان بزرگ ایران مانند بایزید بسطامی و ابراهیم ادهم و ابوالحسن خرقانی و دیگران را مسلمانی میدانند که در عین اطاعت از آنچه شریعت اسلام مقرر داشته با نور باطنی و جذبه‌های که آنان را بطرف معبود میکشاند ، غرق عالم باطن گشته و از هر چه بند تعلق بوده است آزاد مانده‌اند .

نظری دیگر آنست که نژاد آریائی تصوف و عرفان را برای تبری از آنچه از خارج بوی تلقین شده بنا نهاده است و ریشه آنرا در هندوستان و معتقدات هندوان و مسئله فنا و آنچه در آثار کهن هندو مانند وندتاسار ادریده میشود یافته‌اند . البته درین نظر اشکالی هست و آن اینکه فکر تصوف حتی در هند پس از ظهور دین مبین اسلام در هند یعنی پس از قرن یازدهم میلادی شروع به افاضه کرده است و پیش از آن عرفان و تصوف در ایران و دیگر کشورهای اسلامی شیوع فراوان داشته است .

نظر دیگر آنست که صوفیه در افکار خود به یونان و فلسفه نو افلاطونی که بنیان گذار آن پلوتن یا پلوتینوس یونانی است متکی و بآن مرهونند و مسئله اشراق یعنی وصول بحقیقت از راه صفای باطن از آنجا سرچشمه گرفته است . این نظر نیز

مشكوك است زیرا افکار پلوتین پس از آغاز تجلی عرفان و تصوف در ایران راه یافته است (۱).

نظر دیگر آنست که عرفان و تصوف لازم و ملزوم هر مذهبی است که بطرف کمال و معرفت حقیقی و ایمان بوحدهت وجود بیش میرود و بنا بر این خداشناسی و توجه بمبدأ و وصول بحقیقت را در تمام مذاهب کیتی میتوان یافت و بقول شیخ بهائی :

« مقصود توئی کعبه و بتخانه بهانه است »

این نظرات هر چه باشد اینقدر مسلم و آشکار است که مسئله وحدت وجود پیش از همه جا در بسطام و بدست بایزید بسطامی در قرن دهم میلادی آغاز تجلی کرده است و این مسئله با طرز فکر و نبوغ نژاد ایرانی همواره سازگار بوده است ، چنانکه گوینده‌های در ایران پیدا نمیشود که هر چند باصطلاح صوفیان از اهل طریقت مخصوص نباشد از خلال افکارش عشق بجهان حقیقت و توجه بعالم باطن تراوش نکند و شنونده را محسوس بیان سحرانگیز خود نسازد .

کار نیروی خلافت ایرانی آنست که هر چیز را که پسندش آید می‌پذیرد و بآن رنگ و نگار ایرانی میدهد و با آب و هوا و مقتضیات کشور خویش وعادت و پسندهای

« So great a taste for philosophy did he develop that he made up his mind to study that which was being taught among the Persians and among the Hindus When the Emperor Gordian prepared himself for his expedition against the Persians, Plotinus, then 39 years old, followed in the wake of the army » .

- Plotinus, complete Works; trans. Kenneth Sylvan Guthrie Vol. I. p. 8.

b - « La filtration qui existe entre certaines idées de Plotin et les doctrines mystiques de l'Orient. » - *Translation of the Ennead of Plotinus*; Bouillet; 1857. p. XIII.

آنان سازگار میکنند و در نتیجه آن، چیزی بوجود می‌آورد که تنها اثر ظرافت و چرب دستی ایرانی در آن هویداست و از منشأ و ریشه آن آثاری بارز نمیتوان یافت زیرا رنگ و بوئی دیگر گرفته و نکمیت فرح بخش آن از این سرزمین آفتاب‌دار بر خاسته است. همانطور که نقاشان و تذهیب‌کاران پشت جلد کلام‌الله مجید را با نهایت حسن سلیقه و ذوق نقاشی و تذهیب میکنند که احیاناً از طراحی چینی یا هندی متأثر است و با آیات مبارکات را با خط بسیار زیبایی نسخ تحریر مینمایند، همینطور نیز افکار عمیق و اندیشه‌های دانشمندان گیتی را میگیرند و آنان را با معتقدات اسلامی خویش سازگار میسازند و با حکایات و داستانهای مأخوذ از کشورهای دیگر را برای روشن ساختن مباحث مذهبی و فلسفی و اخلاقی بکار میبرند، چنانکه مولانا جلال‌الدین چنین کرد و طوطی هندوستان و کنیزک ختائی را شاهد دو بحث شیرین عرفانی قرارداد و پیش از او عارف بزرگ نیشابور بهمین طرز به بیان افکار عمیق عرفانی میپرداخت و بلبل ایرانی و طاووس هندی را در يك مجلس بسخن سرائی می‌انداخت و سنائی می‌فرمود:

بهرچ از راه دوراقتی چه کفر آن حرف و چه ایمان

بهرچ از دوست و امانی چه زشت آن نقش و چه زیبا

سخن کز روی دین گوئی چه عبرانی چه سریانی

مکان کز بهر حق جوئی چه جابلقا چه جابلسا

چو تن جان را مزین کن بنور دین که زشت آید

درون سو شاه عربان و برون سو کوشک پر دیبا



منظور من از این بحث تحقیق در مراحل تصوف نیست بلکه قصدم آنست که تجلی فکر بزرگان سخن گستر این سرزمین را در عالم عرفان برای خوانندگان مشهود سازم و طالبان ادب را با مردانی مانند شیخ عطار و مولانا و سنائی و دیگران محشور کنم و آنانرا از خوان نعمت بیدریغ این نامداران بهره‌مند سازم.